

تصویرسازی تهدیدانگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲

بهنام سرخیل *

فاتن خزعلی **

چکیده

تصویرسازی در روابط بین‌الملل که تحت عناوینی همچون اعتبار، حیثیت و پرستیژ بین‌المللی مطرح می‌شود، از آن روی اهمیت ویژه دارد که عموماً تصویر واقعیت از خود واقعیت مهم‌تر تلقی می‌شود. علی‌الخصوص که بخش عمده‌ای از قضاوت‌های افکار عمومی و ارزش‌گذاری‌های کنش‌گران بین‌المللی (نظیر سازمان‌ها و شرکت‌های چندملیتی) متأثر از این موضوع بوده و حتی اغلب مکانیزم‌های موجود در عرصه بین‌المللی نیز بر پایه تصویرسازی‌ها استوار می‌گردد.

اکنون با نظرداشت روند کلی مناسبات دو بازیگر مهم بین‌المللی یعنی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان شناخت ماهیت، چرایی و به تبع آن دسته‌بندی اقدامات و شیوه‌های عمل آمریکا در حوزه تصویرسازی علیه ایران وجود دارد؟ مقاله حاضر درصدد است با شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی و براساس رهیافت‌های هنجارگرایانه، به تبیین وجوه مختلف تصویرسازی از جانب آمریکا و رابطه آن با مباحثی همچون امنیتی ساختن و تهدید فضای هنجاری کنش‌گران بین‌المللی بپردازد و ضمن بررسی استقرایی نمونه‌هایی از طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دستگاه سیاست خارجی آمریکا بتواند دسته‌بندی مفهومی جدیدی از لایه‌بندی تصویرسازی تهدیدانگار نسبت به جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید.

واژگان کلیدی: تهدید، تصویرسازی، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، امنیتی ساختن.

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (عج) (نویسنده مسئول) behsarkheil@yahoo.com

behsarkhei@yahoo.com

** کارشناس روابط بین‌الملل

مقدمه

پیچیدگی‌های بین‌المللی و وجود انبوهی از اخبار و اطلاعات درست و نادرست شرایط را به گونه‌ای رقم زده که عملاً امکان شناخت و یا برداشت مطابق با واقعیت را بصورت بی‌واسطه برای مخاطبین دشوار نموده است. از این حیث تصویرسازی ارتباط مستقیم و بسیار نزدیکی با قضاوت‌ها و ارزیابی‌های بین‌المللی دارد. به گونه‌ای که موضوع تصویرسازی یکی از ضروری‌ترین مباحث حوزه ادبیات سیاست خارجی و افکار بین‌المللی گردیده است.

در این چارچوب تصویرسازی یک نوع برقراری روایتی^۱ است که زمینه‌های لازم در ایجاد ارتباط را شکل می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۳، ۱۰).

در واقع تصویرسازی ناظر بر ماهیت و سویه اجتماعی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است، که طی آن کنش‌گران اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف و شناسایی بازیگران و اقدامات آن‌ها دارند. در چنین حالتی اولاً ذهنیت‌ها و انگاره‌ها خود بخشی از واقعیت‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی هستند. ثانیاً انگاره‌ها و ذهنیت‌ها به واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی و سیاست خارجی شکل می‌دهند و آن‌ها را قوام می‌بخشند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ۱۳).

این مسئله زمانی اهمیت حیاتی برای سیاست‌گذاری‌ها و طراحی‌های بین‌المللی دولت‌ها می‌یابد که بازیگران رقیب و یا کنش‌گران متخاصم (دشمن یا متعارض) تلاش می‌کنند تا چهره و تصویر دلخواه خود را در معرض مخاطبین داخلی و بیرونی قرار دهند. مطابق این اسلوب موضوع تصویرسازی منفی از جانب سایر کنش‌گران نقش و جایگاه دوچندانی می‌یابد که البته دامنه آن به لایه‌های گوناگون، از تخریب وجهه تا تهدیدانگاری گفتمانی و ساختاری نسبت به چهره بازیگران را در بر می‌گیرد.

طی تصویرسازی منفی کنش‌گر تخریب‌کننده چندین سیاست را بصورت توأمان در دستور کار دارد: اول، تعریف و شناسایی کنش‌گر مخالف در جایگاه تهدیدگر؛ دوم، تولید تصاویر مجازی و واقعیت‌بخشی به آن‌ها در نزد مخاطب؛ سوم، بزرگ‌نمایی هدف و آسیب‌پذیر نشان دادن خود، در جهت مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های غیراخلاقی و غیرقانونی خود؛ چهارم، امکان استفاده از نیروی فشار و یا نظامی به منظور سرکوب

بازیگر رقیب از طریق کاربرد آن یا تهدید به کاربرد آن (افتخاری، ۱۳۸۷، ۷۴). اما با وجود جایگاه و نقش ویژه تصویرسازی در عرصه بین‌المللی، این موضوع از ادبیات منسجم و پیشینه پژوهشی درخوری پیرامون تصویرسازی از جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا برخوردار نبوده است. این درحالی است که ایالات متحده با برخورداری از انواع امکانات رسانه‌ای و ظرفیت‌های بین‌المللی، بزرگ‌ترین کنش‌گر پیش روی ایران محسوب می‌گردد. بر این اساس، فرضیه اصلی مقاله حاضر در پاسخ به این پرسش‌ها طراحی گردیده که اصولاً فضای هنجاری بین‌المللی چه تأثیری بر امنیت ایران دارد؟ آیا می‌توان اقدامات، شیوه‌ها و گفت‌وگوهای تهدیدانگار آمریکا علیه ایران را دسته‌بندی مفهومی نمود؟ و در صورت مثبت بودن، شاخص‌های اصلی جهت قالب‌سازی تصویرسازی از جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا کدام است؟ فرضیه تحقیق آن است که با بررسی فضای هنجاری در عرصه تهدیدات بحران‌زای بین‌المللی علیه ایران طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان الگوهای کنترلی - امنیتی آمریکا را به‌گونه‌ای دسته‌بندی نمود که طی آن در عمیق‌ترین سطح تصویرسازی، به تولید «شخصیت ذاتاً آشوب‌طلب و افراطی از ایران» توسط خود اذهان مخاطبین در عرصه بین‌المللی منجر خواهد گردید.

بخش اول: پایه‌های نظری و مفاهیم

طی رهیافت هنجاری به‌ویژه دیدگاه‌های سازه‌انگارانه، کنش‌گران رخدادها، تحولات و به‌طور کلی جهان پیرامون خود را چنان تفسیر می‌نمایند که با ادراک، ارزش‌ها، انگاره‌ها، هویت و تاریخ فرهنگی آن‌ها مطابقت داشته باشد. طبیعتاً نظام بین‌الملل نیز در جایگاه یک برساخته اجتماعی، قلمروی اجتماعی محسوب می‌شود که ویژگی‌های آن در نحوه تعاملات، ارتباطات و ارزش‌های فرهنگی واحدهای تشکیل‌دهنده آن تعیین می‌شود (هادیان، ۱۳۸۲، ۹۱۹). از همین‌رو انواع واحدهای اجتماعی سازنده سیستم بین‌المللی (اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و بنگاه‌های سیاسی، رسانه‌ای و حتی افراد تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل)، در چارچوب شناخت و تعریف خود از منافع و اهداف متفاوتی که دارند به دنبال دستیابی به آن‌ها هستند.

مطابق رهیافت فوق، آنچه در تحلیل و تفسیر رفتار کنش‌گران حائز اهمیت ویژه است، هنجارها و ارزش‌های شکل‌دهنده به رفتار بازیگران است. به‌نحوی که تشخیص این موضوع که مثلاً چه چیزی فایده یا هزینه محسوب می‌گردد، در نهایت توسط نوع برداشت و درک اعضای جامعه صورت می‌گیرد. یعنی هر کنش‌گر خود، آنچه را که برایش خوب یا بد است تعریف نموده و لذا در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، منافع بر مبنای تعاریف ذهنی افراد در محاسبه کلی سود و فایده لحاظ می‌گردد (مارش و استوکر، ۱۳۹۰، ۵۳).

براین اسلوب دوست و دشمن و مفاهیم مربوطه مانند احساس تهدید و خطر از جانب دشمن نیز بر اساس نوع تصور و برداشت از طرف مقابل تعریف می‌گردند و بالتبع کنش‌ها از طرف دوست و دشمن نیز دارای معانی متفاوتی برای واحدها و افراد خواهد بود.

۱. برداشت و تفسیر از تهدید بین‌المللی

به‌طور ساده منظور از تهدید در عرصه بین‌المللی عنصر یا وضعیتی است که ارزش‌های حیاتی نظیر تمامیت ارضی، ایده‌ها، باورها و الگوهای رفتاری و یا حاکمیت سیاسی یک کنش‌گر (دولت) را به خطر اندازد. مطالعات امنیتی و مباحث تهدیدشناسی نیز هم‌زمان با تحولات در جوامع و نیز شکل‌گیری جریان‌های بین‌المللی (مانند گسترش جریان‌های افراطی همچون گروه‌های تکفیری) و یا بروز مؤلفه‌های جهانی شدن (همچون مقوله فراملی‌گرایی)، دچار تغییرات چشمگیری گردیده و تا حد زیادی بر مبهم بودن، نسبی شدن و پیچیدگی مفهوم تهدید افزوده شده است؛ به این معنی که تعریف از امنیت و تهدید بیش از هر زمان دیگری به پیش‌فرض‌های متعدد تعریف‌کننده آن‌ها بستگی یافته (و به عبارتی تهدید مفهومی زمان‌مند و مکان‌مند گردیده است)؛ به‌گونه‌ای که رابطه بین امنیت، افراد و تهدیدات رابطه‌ای بین‌ذهنی محسوب گردیده که مصداق خود را از درون گفتمان‌های گوناگون و ادراکات مختلف می‌جوید. با این تفاسیر می‌توان به ویژگی‌های تهدید اشاره کرد:

۱-۱. ذهنی بودن تهدید^۲

مفهوم تهدید فرآیندی ذهنی است که در گام نخست با احساس خطر یا نگرانی در ذهن کنش‌گران (فردی یا جمعی (مثل دولت‌ها)) شکل می‌گیرد و در عرصه اجتماعی تبدیل به یک مقوله بیناذهنی می‌گردد که تابع شناخت، برداشت‌ها و تفاسیر اعضای درون خود می‌باشد. به همین دلیل باید علل، انگیزه‌ها و بسترهای ذهنی تهدید در درون یک ملت شناسایی شود. با این وصف تهدید ممکن است حتی منشاء بیرونی نداشته باشد و صرفاً یک نوع برداشت و تفسیری ساخته شده از واقعیت باشد که حتی با واقعیت امر منطبق نبوده که در ادبیات سیاسی می‌توان به اصطلاح «واقعیتی فراتر از واقعیت»^۳ اشاره نمود که در قالب همان بازنمایی تهدیدانگار از واقعیت قابل بررسی می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ۷).

۲-۱. اعتباری بودن

تهدید از آنجا که مقوله‌ای ذهنی است، دارای حد و مرز اعتباری می‌باشد که اعتبار آن در درون یک ملت نیز بسته به نوع باورها، ارزش‌ها و تفاسیر آن‌ها دارد. به بیان دیگر ماهیت تهدیدات تابع مقولاتی مانند عقاید و نگرش بازیگران، محیط اجتماعی و ملی، محل وقوع تهدید و یا فرهنگ استراتژیک می‌باشد. همچنین پدیده‌ها را می‌توان از نظر زمانی و مکانی و با توجه به حساسیت‌های اجتماعی نسبت به آن، میزان شیوع و فراگیری و توان مدیریت آن پدیده در طیفی از رخدادی ساده تا بحرانی امنیتی دسته‌بندی نمود. در نتیجه ممکن است یک پدیده برای جامعه‌ای صرفاً یک موضوع یا مسئله‌ای اجتماعی یا سیاسی و در مقابل برای جامعه دیگر خطر یا بحران امنیتی تلقی شود و یا حتی در دوره‌های زمانی مختلف، ماهیت پدیده در یک نظام سیاسی تغییر یافته و برداشت‌های مختلفی نسبت به شدت و سطح تهدید و امنیت ارائه گردد.

۳-۱. نسبی بودن

تهدید و امنیت از ابعاد گوناگون نسبی هستند. به این معنی که علاوه بر متغیرهای نسبی مانند زمان و مکان در شکل‌گیری امنیت یا تهدید نمی‌توان درجه معینی از کفایت امنیت

یا بروز تهدید را تعریف نمود. لذا هیچ کشوری نمی‌تواند به امنیت مطلق دست یابد و یا فاقد هیچ‌گونه تهدیدی باشد (چگنی‌زاده، ۱۳۸۹، ۹۶). به‌علاوه از حیث ماهیت نیز، تهدیدات کشورها وضعیت یکسانی نداشته و ممکن است کشوری امنیت داخلی کافی داشته باشد ولی تهدیدات خارجی آن جدی باشد یا اینکه از لحاظ نظامی از وضعیت مناسبی برخوردار باشد، لکن ارزش‌های فرهنگی و الگوهای رفتار سیاسی آن کشور در معرض خطر و بحران قرار گیرد.

۲. امنیتی ساختن و تهدید

مفهوم امنیتی ساختن^۴ جزء مباحثی است که اگرچه عمدتاً در مکتب کپنهاگ مورد توجه بوده، اما همان‌گونه که ویور^۵ از پیشگامان این مکتب نیز تصریح می‌کند امنیت به‌عنوان عمل گفتمانی^۶ بهتر فهمیده می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۴۵۸). در واقع امنیتی ساختن به فرآیندی اطلاق می‌شود که منجر به قرار گرفتن برخی موضوعات در چارچوب خاص امنیت می‌گردد. درحالی‌که قبلاً در این حوزه نبوده‌اند (عبداله خانی، ۱۳۸۹، ۱۴۸). ویور امنیتی ساختن را مطابق سطح تحلیل خود به فرد یا گروه و دولت نسبت می‌دهد و آن را عملی اجتماعی که خود ارتباط جدی با هویت آن اجتماع دارد تلقی می‌کند (Buzan and Ole Waver, 2000, 242). طبق این تعریف امنیت رویه‌ای خود مرجع یا معطوف به خود است، زیرا طی این رویه است که موضوعی به یک موضوع امنیتی تبدیل می‌شود و نه لزوماً از آن جهت که تهدید وجودی^۷ راستینی باشد، بلکه از آن‌رو که موضوع یاد شده به صورت چنین تهدیدی جلوه داده می‌شود و در واقع ملاک دقیق امنیتی شدن موضوعات این است که در اذهان به صورت چنان تهدیدی جلوه کند که اثرات سیاسی و امنیتی داشته باشد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۵۰).

چنانچه ملاحظه می‌گردد، امنیتی ساختن به منزله سیاسی ساختن بیش از حد مسائل و پی‌ریزی بنیاد بیناذهنی^۸ یک تهدید برای داشتن پیامدهای سیاسی است. به‌گونه‌ای که در اذهان عمومی و نظام ادراکی و باور اعضاء، یک مسئله بزرگ جلوه داده شده و حتی به منزله بالاترین درجات تهدید عرضه می‌شود و بدین ترتیب دولت‌ها در ازاء رفع چنین تهدیدهایی می‌توانند ادعا کنند که برای برخورد با آن، نیاز و حق به‌کارگیری

ابزارهای لازم را دارند (Buzan, 1997, 14).

۳. تولید فضای هنجاری، تصویرسازی و اعتمادسازی

ساختارها و سازمان‌بندی اجتماعی بوجودآورنده شرایط و موقعیت‌هایی است که حیات اجتماعی یک دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا هر دولتی در خارج از مرزهای سیاسی خود به‌عنوان یک کنش‌گر اجتماعی درصدد است تا محیط هنجاری را به‌گونه‌ای فراهم سازد تا بر اساس آن بتواند به منافع ملی خود دست یابد. در همین چشم‌انداز دولت‌ها خواهان ساختاربندی نظم بین‌المللی در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای جاری در اجتماع خود هستند. چرا که در صورت موفقیت، فرآیندها و کنش‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل بر اساس خواست آن‌ها شکل گرفته و در نتیجه تهدیدات بحران‌زا را از فضای هنجاری خود دور خواهند کرد (Wendt, 1995, 81).

شکل‌گیری و تثبیت این فضا به حدی اهمیت دارد که مرزهای سیاسی دولت‌ها به سرحدات جغرافیایی آن‌ها خلاصه نشده، بلکه دولت‌ها متناسب با توان و ظرفیت خود تلاش می‌کنند تا فضای هویتی و هنجاری گسترده‌ای را بر اساس جایگاه و اهداف خویش تعریف نمایند که البته گاهی گستره آن به وسعت کل نظام بین‌الملل می‌رسد.

از سوی دیگر باتوجه به اینکه مفاهیم ذهنی سازنده فضای هنجاری مانند ارزش‌ها، زبان، فرهنگ و ایدئولوژی‌ها می‌توانند کنش و واکنش‌های اجتماعی بازیگران را هدایت نمایند، در نتیجه هر اندازه که این مؤلفه‌ها در عرصه بین‌المللی بسط یابند علاوه بر تثبیت و گسترش فضای هنجاری به بهبود اعتمادسازی نیز کمک می‌کنند (Klotz and Lynch, 2007, 7) تا جایی که هیچ دولتی نمی‌تواند نسبت به کاهش اعتماد در فضای هنجاری خود بی‌تفاوت باشد. تا جایی که می‌توان گفت گسترش هنجارهای شکل‌دهنده و مورد تأکید یک دولت در عرصه بین‌الملل به معنای کاهش هنجارهای رقیب خواهد بود و دولتی که در این موارد در موضع ضعف قرار گیرد دچار بحران‌های امنیتی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۱۰۱).

از آنجایی که تصویرسازی بین‌المللی رابطه مستقیمی با برداشت و تفاسیر سایر بازیگران دارد، لذا تصویرسازی با ایجاد اعتماد در مخاطب نیز ارتباط نزدیک برقرار

می‌کند. به‌گونه‌ای که هراندازه تصویر و برداشت مطلوب‌تری از یک دولت در اذهان بین‌المللی شکل بگیرد، زمینه بیشتری برای تقویت اعتماد و گسترش فضای هنجاری مورد نظر فراهم می‌گردد.

بخش دوم: لایه‌بندی تهدیداتکار از جمهوری اسلامی ایران

سیر تحولات روابط ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بررسی دکترین‌های سیاست خارجی رؤسای جمهور آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران حکایت از رویارویی و تقابل بین دو کشور در هر دو سطح تعارضات ماهوی و اختلافات در اصول رفتاری دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ۵). از یک سو ماهیت انقلابی، دینی، ضد سلطه و استقلال‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران به شکلی بوده است که در تعارض جدی با ماهیت نظام سلطه‌جویانه آمریکا قرار داشته و از سوی دیگر اتخاذ راهبردها و مواضع عملی در طول حدود چهار دهه گذشته به‌گونه‌ای بوده که سطح تعارضات و تقابل دو کشور را در شرایط خاصی نگاه داشته است.

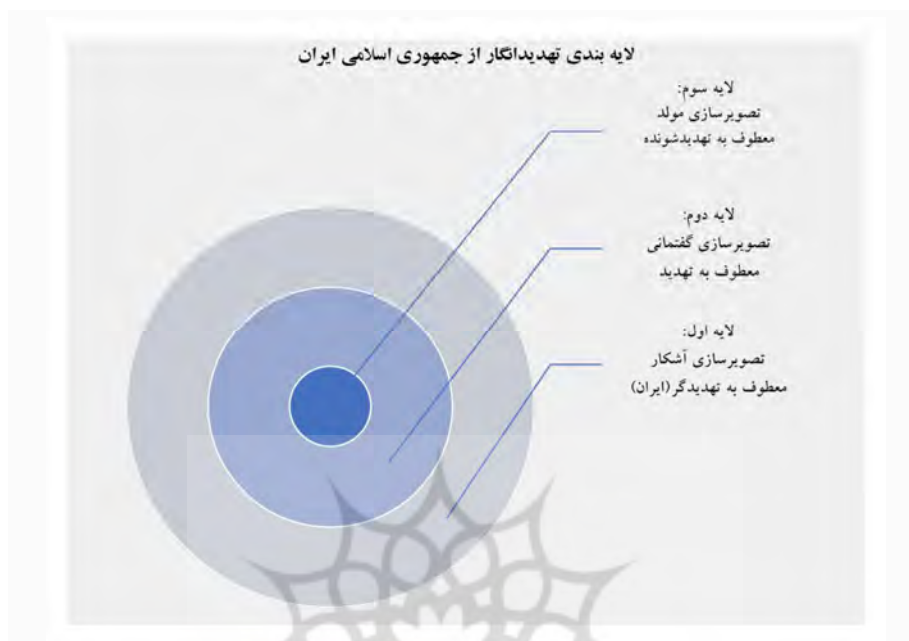
برای نمونه بررسی گزارشات راهبرد نظامی وزارت دفاع آمریکا در دوره ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ حکایت از آن دارد که هر دو دولت نسبت به یکدیگر احساس تهدید دائمی داشته‌اند. در آخرین سند راهبردی وزارت دفاع ایالات متحده، دولت آمریکا علاوه بر روسیه و چین، به صراحت از دولت‌های ایران و کره شمالی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت آمریکا و متحدانش نام می‌برد (سایت وزارت دفاع آمریکا، ایسنا).

به گزارش آسوشیتدپرس، جدیدترین گزارش سالانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا ایران را علی‌رغم امضای توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱ به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حمایت از تروریسم قلمداد کرده است. در بخشی از این گزارش عنوان شده است که «ایران همچنان جزء اصلی‌ترین حامیان دولتی تروریسم در جهان باقی مانده و مجموعه‌ای از حمایت‌ها از جمله حمایت‌های مالی، آموزش و تجهیزات را به گروه‌هایی تروریستی در سرتاسر جهان ارائه می‌کند» (سایت آسوشیتدپرس، ۴ ژوئن ۲۰۱۶).

در سطح رفتاری نیز با وجود برخی تعاملات در مقاطع مختلف سیاسی نظیر قضیه حضور آمریکا و ناتو در جریان حمله به طالبان و اشغال افغانستان و یا نشست‌ها و

مذاکرات ایران و آمریکا در خلال موضوع هسته‌ای ایران و تصویب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) باید گفت نمونه‌های فراوانی که مؤید استمرار نگرش امنیتی و احساس تهدید میان دو کشور باشد قابل ارائه می‌باشد که در خلال این تحقیق بیان خواهند گردید. به هر تقدیر اگرچه نوع نگرش نخبگان، احزاب و جریان‌های فعال در فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا دارای طیف متنوعی می‌باشد و بالتبع در دوره‌های گوناگون تحلیل‌های متفاوتی در خصوص ایران و نحوه مواجهه شدن با آن در لایه‌های مختلف این کشور وجود داشته است، اما از نظر اغلب هیئت حاکمه آمریکایی نظام سیاسی ایران ماهیتی تندرو داشته که باید در راستای اهداف و جلوگیری از تهدید منافع آمریکا کنترل شود (Foreign affairs, 2017, 25).

در همین راستا ایالات متحده تلاش نموده تا با بکارگیری شیوه‌های مختلف نظیر ارتباط با «گروه‌های اجتماعی»، کنترل رسانه‌ها و افکار عمومی، ضمن تصویرسازی منفی از ایران به تقویت و بسط فضای هنجاری خود پرداخته و با ایمن‌سازی فضای هنجاری خود به رفع و یا کنترل تهدیدات بین‌المللی دست یابد. تصویرسازی با هدف تهدیداتنگاری جمهوری اسلامی ایران از سوی ایالات متحده آمریکا را می‌توان به سه لایه اصلی تقسیم نمود که اگرچه ارتباط معنایی نزدیکی میان هر یک از لایه‌ها وجود دارد ولی درعین حال در هر مرحله بر یک بخش از تهدیداتنگاری تمرکز بیشتری می‌گردد. در پژوهش حاضر این دسته‌بندی مطابق با سه رکن اصلی سازنده در رابطه تهدیداتنگاری یعنی «تهدیدکننده»، «تهدید» و «تهدیدشونده» صورت پذیرفته است.



۱. تهدید اتکاری آشکار از جمهوری اسلامی ایران

اولین لایه از تصویرسازی تهدیداتگزار معطوف به تعریف، شناسایی و بیان ویژگی‌ها و شرایط «تهدیدگر» می‌باشد. در این مرحله تلاش می‌شود تا با ترسیم و بیان نقاط ضعف، کاستی‌ها، تفاوت‌ها، اختلافات و یا وجود تعارضات به شکل‌دهی و القاء تصویری نادرست از رقیب یا دشمن پرداخته شود و در نهایت به کمک این وجه‌سازی منفی در اذهان و تخریب چهره حریف بتوان امکان بروز خطر و احتمال تهدید از سوی این کنش‌گر را در نظر مخاطب بوجود آورد. این لایه تخریبی معمولاً جنبه آشکار و یا نیمه پنهانی دارد که با شیوه‌های انتقال اخبار و اطلاعات (سمعی، بصری) هدفمند صورت می‌پذیرد.

ویژگی اصلی لایه اول آن است که از مفروضات طبیعی، ارزش‌گذاری‌های بدیهی انسانی و قضاوت‌های ساده بشری افراد (جامعه مخاطب) به‌عنوان ملاک‌های تشخیص بهره گرفته می‌شود تا مخاطب صرفاً بر پایه قضاوت‌های شخصی و مبتنی بر اطلاعات محدود و معینی که دریافت می‌نماید به تصویرسازی پردازد. درواقع هدف آن است تا

«معیار صحت و سقم» چنین برداشت‌هایی از طرف مقابل، همان دریافت‌ها و ارزیابی‌های درونی هر شخص تلقی شود و فرد با استفاده از مفروضات خود نسبت به خوبی و بدی اقدامات دشمن و سپس خود دشمن قضاوت نماید (تکیه بر حسن و قبح ذاتی افعال نزد مخاطب).

لذا تأکید بر گزاره‌ها و مسائل کلی مانند «اجبار و سلب آزادی»، «قتل و خشونت» و یا «تبعیض» که ذاتاً قبیح می‌باشند و نیاز به قدرت تحلیل چندانی نداشته و قضاوت در مورد آن‌ها برای عموم افراد امکان‌پذیر می‌باشد، در این مرحله از تهدیدانگاری قابل ملاحظه است. ویژگی دیگر مربوط به برساخت تهدید از ایران به کمک فضای مجازی و رسانه‌ای است. در واقع رسانه‌ها در عصر حاضر فراگیرترین و مؤثرترین نهاد تولید، بازتولید و توزیع دانش و شناخت عمومی در مقایسه با سایر نهادهای آگاهی و معرفتی هستند که می‌توانند نقش گسترده‌ای در ذهن‌سازی و حتی ادراک افراد داشته باشند و از طریق همگن‌سازی^{۱۱} مسائلی مانند باورها، سلیقه‌ها، خواست و انتظارات افراد جامعه را شکل بخشند و برداشت‌های بیناذهنی را در افکار عمومی ایجاد نمایند و با بسط و گسترش مفاهیم مورد نظر، به تصویرنمایی پرداخته و باورها و هنجارها و اراده افراد را تحت تأثیر قرار دهند. در همین راستا می‌توان به انواع فیلم‌ها و داستان‌هایی که با موضوع تخریب وجهه ایران تولید می‌شود را مورد استناد قرار داد که طی آن‌ها چهره‌ای خطرناک و تهدیدآفرین به مخاطبین ترسیم می‌گردد.

به گزارش مؤسسه رسانه‌ای آی ام دی بی^{۱۲} در میان انواع گسترده فیلم‌های «ضد ایرانی» که اغلب هالیوودی هستند، ۲۶ فیلم در دسته فیلم‌های تأثیرگذار مستقیم و برتر ضد ایرانی قرار می‌گیرند که اسامی برخی از فیلم‌های پربیننده آمریکایی عبارتند از: «آرگو» (۲۰۱۲)، «کشتی گیر» (۲۰۰۸)، «سنگسار ثریا» (۲۰۰۸)، «پرسپولیس» (۲۰۰۷)، «سیصد» (۲۰۰۶)، «الکساندر» (۲۰۰۴)، «بدون دخترم هرگز» (۱۹۹۱)، «فرستاده» (۱۹۸۳). برای نمونه در فیلم اخیر (فرستاده) داستان یک نماینده ایرانی که از طرف جمهوری اسلامی ایران به آمریکا فرستاده می‌شود تا یک فرد ایرانی‌الاصل تابع آمریکا را که در دوران شاه خدمت می‌کرده است به قتل برساند، اما پیش از ترور، این فرد توسط فرد دیگری کشته می‌شود (سایت asipress).

۲. تهدیدانگاری گفتمانی از جمهوری اسلامی ایران

لایه دوم بر صورت‌بندی «تهدید» و انواع قالب‌بندی‌هایی که بیانگر القاء تهدید می‌باشند، توجه بیشتری دارد. به طوری که فضای هنجاری علیه ایران به گونه‌ای ترسیم می‌شود که ملاک و معیارهایی را برای شناسایی و درک مصداق‌های عینی از تهدید آن در عالم واقع در اختیار مخاطب می‌نهد. در این لایه با ایجاد و تعریف نظام‌های معنایی مختلف، بر چگونگی شکل‌گیری تهدیدها از طریق اثرگذاری غیرمستقیم بر آگاهی کنش‌گران تأکید می‌شود. به طوری که افراد ناخودآگاه تحت تأثیر چنین نظام‌هایی قرار گرفته و در راستای گفتمان‌های مبتنی بر تولید تهدید به تصویرسازی منفی از ایران می‌پردازند.

در حقیقت تهدیدانگاری گفتمانی ناظر بر شرایط و روابطی است که طی آن آمریکا از طریق ایجاد فضای خودآگاهی کاذب (در افراد و واحدهای درونی)، به گونه‌ای نامحسوس باورها، خواسته‌ها، انتظارات و منافع مخاطبین داخلی و خارجی را صورت‌بندی می‌کند تا در وهله اول شهروندان آمریکایی و غربی بر اساس آن نسبت به ایران احساس تهدید و خطر نمایند.

در این جنبه از تهدیدانگاری، تصویرسازی متناسب با شکل‌دهی برداشت‌ها، ارجحیت‌ها و آگاهی افراد بر اساس خواست دولت‌ها ترسیم می‌گردد. به طوری که مخاطبین با تحت تأثیر قرار گرفتن در یک نظام معنایی هدفمند، ناخودآگاه و ناخواسته همان تصویری را از واقعیت دریافت می‌نمایند که مورد نظر و مطلوب تصویرساز است.

نکته دیگر آن‌که لایه مورد اشاره (به دلیل ارتباط معنایی با طرز تلقی‌ها و نوع برداشت رایج مخاطبین)، تمرکز بیشتری بر تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی (به‌ویژه فرهنگ غربی با فرهنگ ایرانی) دارد و بر رویکردهای هنجاری، ارزش‌ها و باورهای شهروندان غربی نظر می‌نماید. به‌ویژه آنکه تلاش می‌شود تا بر مقولات فرهنگی نظیر ارزش‌ها، افکار و اندیشه‌ها، آداب و رسوم غربی، الگوهای رفتاری، شیوه زندگی و به‌طور کلی بر نظام باورهای آمریکایی برنامه‌ریزی شود. این موضوع از دو حیث اهمیت بیشتری می‌یابد.

از همین رو ارزش‌های فراگیر و به ظاهر جهان‌شمول غربی همچون حقوق بشر، آزادی و دموکراسی غربی، خوشبختی، امنیت و سعادت از منظر غربی جزء فضائل و

مفروضات قطعی انسانی تلقی می‌شوند و در جایگاه و منزلت شاخص‌ها و معیارهای مفروضی قرار می‌گیرند که باید سایر فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها نیز برای کسب مشروعیت به آن‌ها نزدیک شوند. لذا هر اندازه که اقدامات، رفتارها، باورها و الگوهای هر بازیگری از جمله جمهوری اسلامی ایران با این باورها و ادراکات به ظاهر قطعی در گفتمان‌های غربی، هم‌خوانی و تطابق نداشته باشد، بصورت بالقوه می‌تواند تهدیدی برای ارزش‌های غربی محسوب شود.

۲-۱. انواع گفتمان‌سازی تهدید از جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین گفتمان‌های تهدیدساز علیه جمهوری اسلامی ایران که از سوی آمریکا پیگیری می‌شوند عبارتند از:

۲-۱-۱. گفتمان تروریسم

یکی از گفتمان‌های تهدیدزا از سوی آمریکا در تقابل با کنش‌گران مخالف، موضوع تروریسم است. این گفتمان که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر جزء اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته، فرصتی را در اختیار قرار می‌دهد تا با ایجاد فضایی امنیتی و رعب‌برانگیز، افکار عمومی جهانی و به تبع آن فضای داخلی آمریکا را تحت‌الشعاع قرار دهد و با تعریف، ترویج و تشریح شاخص‌های گفتمان تروریسم و ارائه شاخص‌ها و مفاهیم مورد نظر (از دیدگاه غربی)، دشمنان خود را به‌عنوان تهدیدهایی در چارچوب تروریسم معرفی نموده و آن‌ها را به مثابه مصادیقی از تهدید شناسایی نماید.

از همین منظر توفیق آمریکا در معرفی جمهوری اسلامی ایران در گفتمان تروریسم موجب کم اثر کردن قدرت نفوذ ایران در سطح جهان و در نهایت حفظ امنیت فضای هنجاری خود خواهد بود (بی‌نظیر، ۱۳۸۷، ۲۷).

پیرو گفتمان مذکور مقامات آمریکایی بارها در طول سه دهه گذشته تلاش داشته‌اند تا به اشکال مختلف ایران را در بروز حوادث تروریستی مناطق مختلف جهان سهیم نمایند که از آن جمله می‌توان به مجموعه‌ای از بمب‌گذاری‌ها در بانکوک (۲۰۱۲)،

اقدام تروریستی در کنیا (۲۰۱۲) و اقدام تروریستی در بحرین (۲۰۱۵) اشاره نمود (سایت ویکی پدیا، ژوئن ۲۰۱۶).

به علاوه وزارت خارجه آمریکا در گزارش بررسی های سالانه خود از تروریسم جهانی، ایران را بزرگترین حمایت کننده تروریسم جهانی تصریح نموده است (سایت آسیوشیتدپرس، ۴ ژوئن ۲۰۱۶).

البته این مسئله فقط محدود به بخش های دولتی و رسمی ایالات متحده نبوده است. بلکه در قالب رفتارهای فراملی گرایی نظیر تولید بازی های رایانه ای، انیمیشن، فیلم ها و گزارشات مستند، شاخص های تروریستی به ایران نسبت داده شده می شود. برای نمونه روزنامه واشنگتن پست در سال ۲۰۰۳ با انتشار گزارشی به وجود رابطه میان ایمن الظواهری (از مقامات ارشد القاعده) پرداخته و طی یک سلسله اتهامات رسماً ایران را به «هم پیمانی با القاعده» متهم کرد (وال استریت ژورنال، بازبینی شده در اسفند ۱۳۹۴).

۲-۱-۲. گفتمان اسلامهراسی

اسلامهراسی مصادیق متعددی در تاریخ روابط کشورهای اسلامی و غربی دارد. اما به طور مشخص از دهه نود میلادی اصطلاح اسلامهراسی^{۱۲} به شکل هدفمند وارد ادبیات غربی شده است (افتخاری، ۱۳۸۹، ۳).

البته بخشی از این تصویرسازی مربوط به تلقی و برداشت برخی از اندیشمندان نسبت به اسلام است که طی آن «اصالت جنگ» را به عنوان قاعده اصلی اسلام مطرح و ترسیم می کنند و بدین ترتیب فرصت لازم جهت ارائه تصویری تهدیدانگاران از اسلام در اختیار قرار می نهند.

معتقدان به این رویکرد با تقلیل دادن مفهوم توحید به «نابودی شرک» و معادل قرار دادن هر «غیرمسلمان» با «مشرک»، رسالت ذاتی و اولیة اسلام را «از بین بردن تمامی غیرمسلمانان» معرفی می کنند (رفعت و الشبوکی، ۱۳۸۷، ۲۱۳-۱۳۵). نکته درخور توجه آنکه، این رهیافت با افراطی گری پیوند می خورد و در نتیجه برداشت منفی از آن گروه ها و تفکراتی همانند «القاعده» یا «داعش» پدید می آید که قائل به نفوذ شرک در میان جامعه اسلامی می شود؛ لذا حکم به کشتار حتی برخی از گروه های اسلامی در

راستای تحقق عدالت و توحید می‌دهد (رفعت و الشبوکی، ۱۳۸۷، ۱۴۳-۱۳۵).
به هر تقدیر اگرچه این برداشت تنها یکی از خوانش‌های اسلام است، اما زمانی که در قالب گفتمان تهدیدانگاری بازنمایی می‌شود، چون از رویکردهای دیگر اسلام سیاسی حرفی به میان نمی‌آید، طبیعتاً به کل جامعه مسلمانان و به‌ویژه اسلام سیاسی حاکم بر ایران نسبت داده می‌شود. انواع اتهامات تروریستی که به اشکال گوناگون به مسلمانان و ایران نسبت داده شده و علی‌الخصوص در موقعیت‌هایی که به نوعی با ایران در ارتباط بوده، همگی در چارچوب این گفتمان می‌گنجد.

۲-۱-۳. گفتمان شیعه هراسی

یکی دیگر از گفتمان‌های تهدیدانگار مورد استفاده علیه ایران در عرصه بین‌المللی مربوط به ارائه چهره‌ای رعب‌انگیز از مذهب شیعه است که در تلاش برای انعکاس تصویری خشن از اهداف، ماهیت و دورنمای مذهب شیعه (که شاکله انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد) و مغایرت و تضاد آن با انگاره‌ها و ارزش‌های غرب صورت می‌گیرد.
اگرچه ممکن است در ابتدا این سؤال مطرح شود که شیعه‌هراسی مسئله‌ای است که در مقابل سایر مذاهب اسلامی بیشتر کاربرد داشته که منشأ آن به نگرانی زمامداران جهان عرب از اشاعه فرهنگ شیعی بازمی‌گردد، اما باید گفت این موضوع از چند حیث در خصوص تصویرسازی دنیای غرب حائز اهمیت است. به‌ویژه آنکه پس از گسترش جریان‌های افراطی مانند طالبان و داعش و تأثیرات چشم‌گیر آن‌ها بر امنیت و زندگی شهروندان غربی، به تدریج نخبگان و به تبع آن افکار عمومی آمریکا در صدد شناخت نسبی و در نتیجه تفکیک میان دیدگاه‌های اسلامی می‌باشند. در نتیجه چگونگی ساخت تصویر اولیه و ذهنی مورد نظر از شیعه در مقطع کنونی و طی ارتباط غرب با جهان اسلام و تشیع بسیار حیاتی می‌باشد؛ چرا که شناسایی و معرفی شیعه و شاخص‌های آن از منظر گفتمان تهدیدانگار، یکی از راهبردهای حساس و درعین حال غیرآشکاری است که علاوه بر تلاش برای وجهه‌سازی و تعریف دلخواه غرب از آینده تعاملات با جهان تشیع می‌تواند مانع گسترش گفتمان اصیل اسلامی گردد. برخی از مهم‌ترین اهداف شیعه‌هراسی توسط آمریکا عبارتند از:

▪ ایجاد سردرگمی افکار عمومی آمریکا و در نتیجه امکان استمرار همکاری با متحدین و زمامداران کشورهای اسلامی (همسو با غرب) علیه جمهوری اسلامی ایران.

▪ جایگزین‌سازی احساس تهدید از شیعیان با هدف کمک به جریان‌های ساختگی و وابسته به غرب (مانند سلفی‌گری یا اسلام لائیک).

▪ نگرانی از ماهیت و شاخص‌های اسلام شیعی مانند عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و جلوگیری از رشد تفکر عمیق شیعی و تسری ظرفیت‌های اندیشه اسلام ناب در غرب.

در همین راستا یکی از شیوه‌های غرب برای شیعه‌هراسی، مترادف ساختن جریان شیعه با اسلام افراطی یا خشونت‌طلب در موقعیت‌های مختلف است. به تصویر کشاندن نمادهای شیعی و همچنین برخی مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در کنار افراد غیرمحبوب و مستبد در برخی رسانه‌ها و نشریه‌های غربی یکی از ترفندهایی است که بارها توسط خبرگزاری CNN، نشریه نیوزویک و یا واشنگتن پست مورد استفاده قرار گرفته تا از لحاظ تکنیک‌های روان‌شناسی به مخاطب این پیام را القا نماید که رهبران شیعه جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر فرهنگ شیعه هنجارهای بشردوستانه را رعایت نمی‌کنند (محمدیان، ۱۳۹۴، ۲۶۱).

مثال دیگر در خصوص شیعه‌هراسی، استفاده سوء از ظرفیت‌های محیط سایبری و هک کردن همزمان سرور آل البیت (علیه‌السلام) به‌عنوان بزرگ‌ترین سرور جهان تشیع و همچنین ۳۰۰ وب‌سایت اینترنتی وابسته به حوزه علمیه قم و یا چهره‌های شاخص مکتب تشیع در شهریورماه سال ۱۳۸۷ یکی از مصادیق شیعه‌هراسی محسوب می‌شود (محمدیان، ۱۳۹۴، ۲۶۱).

یکی دیگر از شیوه‌های شیعه‌هراسی آمریکا، انعکاس تصاویر ساختگی و گزارش‌های انحرافی از مشارکت جمهوری اسلامی ایران با سایر جریان‌های شیعه مذهب در امور داخلی سایر کشورهاست. برای نمونه برخی از ادعاهای رایج غرب برای انعکاس تصاویر غیرواقعی از مکتب تشیع عبارتند از:

▪ مداخله حزب‌الله در ناامن‌سازی و استمرار بحران در سوریه و عراق؛

- اخلال شیعیان در فرآیند طبیعی انتخابات لبنان؛
- معرفی جریان مقاومت مردمی به رهبری شیعیان یمن الحوثی به منزله عامل جنگ و خشونت؛
- معرفی شیعیان پاکستان به عنوان عامل جنگ، تفرقه و بی‌ثباتی؛
- آموزش نظامی شیعیان کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه بحرین.

۲-۱-۴. گفتمان ایران‌هراسی

این گفتمان به منزله مرکز اصلی و دال محوری مشترک در میان سایرگفتمان‌های تهدیدات‌نگار از چهره ایران محسوب می‌شود که طی سالیان گذشته در دستورکار دستگاه سیاست خارجی آمریکا قرار داشته و درصدد شاخص‌سازی منفی از ایران با هدف معرفی کردن این کشور با عناوین مختلفی مانند «کشور بی‌فرهنگ»، «محور شرارت»، «بزرگ‌ترین حامی تروریست در جهان»، «کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد»، «بزرگ‌ترین عامل تهدید و اختلاف برای همسایگان» و در نهایت تهدیدی برای صلح جهانی پیگیری شده است.

البته در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی و تجاوز عراق به خاک ایران، این سیاست بیشتر با هدف افزایش حضور آمریکا و انعقاد پیمان‌های دوجانبه آمریکا با برخی کشورهای عرب منطقه در قالب اجرای دکترین‌های آمریکا مانند مهار دوجانبه صورت می‌پذیرفت. اما پروژه ایران‌هراسی پس از حوادث یازده سپتامبر با بهره‌گیری از گفتمان مبارزه با تروریسم و معرفی عراق، کره شمالی و ایران به عنوان محور شرارت، ابعاد عمیق‌تری یافت. به طوری که به دنبال دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در دانش صلح‌آمیز هسته‌ای و نیز افزایش توان دفاعی و بازدارندگی متعارف موشکی و صنایع هوا فضا، ایران‌هراسی جزء اصلی‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی آمریکا در منطقه گردید. در همین رابطه یکی از شیوه‌های جدید ایران‌هراسی مربوط به تهدیدات‌نگاری از اقدامات دفاعی و مشروع این بازیگر بین‌المللی است که در جهت حفظ و تقویت ضریب امنیتی خود صورت می‌پذیرد. برجسته‌سازی و خبرسازی‌های مستمر درخصوص موضوع فروش موشک‌های اس ۳۰۰ روسیه به ایران و تلاش همه‌جانبه

ایالات متحده برای ممانعت از آن، مثال گویایی از چنین گفتگویی است (CSMonitor, 2015). ایالات متحده با این سیاست درصدد تصویرسازی تهدیدانگار نسبت به اهداف و توانایی‌های سامانه‌های آفندی و پدافندی موشکی جمهوری اسلامی ایران بوده و در همین راستا پیگیری اهداف ذیل قابل احصاء می‌باشد:

- مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های مداخله‌جویانه و هزینه‌های نظامی و پروژه‌های وزارت دفاع (پنتاگون) در افکار عمومی آمریکا.
- انحراف افکار عمومی و کمک به سیاست توسعه حضور در خلیج فارس و همکاری با متحدین.
- جلوگیری از امنیت‌سازی بومی پایدار منطقه‌ای و افزایش هزینه‌های ایران در عرصه بین‌المللی.
- توجیه برای ادامه منع همکاری با جمهوری اسلامی ایران در مقابل تفکرات و جریان‌های واقع‌نگر آمریکایی.
- امکان طراحی تحریم‌های جدید و استمرار سیاست‌های منزوی‌سازی علیه ایران.
- پاسخ به لابی صهیونیستی و حرکت در مسیر تضعیف جریان مقاومت در برابر سلطه.

۳. تهدیدانگاری مولد از جمهوری اسلامی ایران

این لایه پیچیده‌ترین و درعین حال اثرگذارترین جنبه از تصویرسازی را در بر می‌گیرد و به نوعی شکل تکامل یافته دو مرحله پیشین است. در بررسی رابطه تهدید که پیشتر مطرح گردید، این قسم از تهدیدانگاری بیشتر بر مؤلفه سوم یعنی «تهدیدشونده» تمرکز دارد.

این مرحله معطوف به «خلق و تولید» سوژه تهدیدگر در ذهن تهدیدشونده می‌باشد. در این حالت اذهان به نحوی در فضای هنجاری صورت‌بندی می‌شوند که خودشان به تولید و خلق تصویر از منبع تهدید و عوامل خطر می‌پردازند و لذا ممکن است هرگونه رفتار و اقدامات کنش‌گر رقیب را در حکم تهدید قلمداد نمایند.

به بیان ساده، در لایه سوم از تهدیدانگاری، نظام‌ها و باورها به‌گونه‌ای در کنار هم صورت‌بندی می‌شوند که نهایتاً چهره‌ای اغتشاش‌گر از طرف مقابل (ایران) در اذهان خلق می‌شود که احتمال بروز خطر و تهدید از سوی آن وجود دارد. در واقع

تهدیدانگاری مولد ناظر بر چگونگی تولید تصویری اغتشاش‌گر از عامل تهدیدزا در نزد افراد توسط خود افراد است. به نحوی که یک نوع سوژه و ابژه انسانی در میان روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. این جنبه از تهدیدانگاری مستلزم و متضمن فرآیندهای اجتماعی عام و پراکنده است و معطوف بر شیوه تولید و خلق سوژه‌ها و ابژه‌ها و هویت‌ها در خلال مناسبات اجتماعی پراکنده، غیرمستقیم و با واسطه می‌باشد.

ذهن کنش‌گر در تهدیدانگاری مولد در معرض ساختن و ساخته شدن مداوم قرار دارد. به گونه‌ای که یک نوع منازعه معنایی از طریق استیلای معنایی بر ذهن بوجود می‌آید که طبیعی و مطابق با عقل سلیم جلوه داده می‌شود و در رفتار و گفتار سوژه‌ها تجلی پیدا می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۷، ۱۶۳).

تهدید مولد ناظر بر تکوین و تأسیس سوژه‌ها و ابژه‌های انسانی از طریق تمرکز بر نظام‌های دانش و رویه‌های گفتمانی با دامنه فراگیر و گسترده اجتماعی است. بنابراین تهدیدانگاری مولد جنبه‌ای گسترده‌تر از ساختارها دارد که در عین اینکه به نظام‌های دلالت و معنا ساختار می‌بخشد، ولی در عین حال ساختار نبوده و شبکه نیروها و عوامل اجتماعی را قوام می‌بخشد. به گونه‌ای که اگر به فرض در موردی نیز تبلیغات منفی علیه کنش‌گر رقیب (ایران) صورت نپذیرد، باز هم شرایط طوری طراحی شده که تصویری منفی در ذهن مخاطب برساخته می‌شود.

۳-۱. آشنگی در ادراک مخاطبین (شهروندان آمریکایی)

تهدیدانگاری مولد از دو جنبه حائز اهمیت است. نخست آنکه ایجاد و گسترش فضای هنجاری موردنظر و فرمول‌بندی باورها، ادراکات و ارزش‌ها، موجب آشنگی در هشیاری^{۱۳} افراد گردیده و حتی واکنش‌ها نسبت به محرک‌ها را با اختلال روبه‌رو می‌کند که به نوعی با تعبیر اغتشاش شعور^{۱۴} در علوم روان‌شناسی مطابقت داشته و در نتیجه می‌تواند تغییرات تلقین‌پذیری را که عمدتاً به شکل سازش و واکنش غیر انتقادی نسبت به یک عقیده یا باور مؤثر بروز می‌کند را در پی داشته باشد و متعاقباً در افراد احساس تهدید و خطر ایجاد نماید.

در حقیقت این فرآیند ارتباطی اساساً به دنبال کنترل ذهنی و فکری جامعه مخاطب

و شهروندان غربی است که ضمن آن درجه‌ای از ایجاد بی‌تعادلی ذهنی در جامعه را در قالب‌هایی همچون انحراف ذهنی، تمرکززدایی (حواس‌پرتی)، آشفته‌سازی، غلبه دادن ترس و ناامنی و سلب اعتماد به نفس را می‌تواند به همراه داشته باشد (خداداد، ۱۳۹۲، ۳۳). به‌طوری‌که مخاطبین نتوانند تصویر درستی از ایران در ذهن بسازند و مدام نسبت به ایران و اقدامات جمهوری اسلامی ایران دچار ابهام باشند.

۲-۳. آشفتنی ادراک مراجع تصمیم‌ساز آمریکایی نسبت به ایران

بخش دیگری از تهدیدانگاری مولد ناظر بر شکل‌دهی و مدیریت مبادی و مراکز اثرگذار بر ادراکات جامعه (مانند تصمیم‌سازان، مقامات، اصحاب رسانه و شبکه‌های اجتماعی) فعال در ایالات متحده می‌باشد. به‌نحوی‌که در نهایت آن‌ها طوری طراحی و اقدام نمایند تا موجب تقویت فضای هنجاری و حرکت در مسیر کنترل باورها، هنجارها و ادراک جامعه شود. این گروه تأثیرگذار از اجتماع به دلیل آن‌که قدرت الگوسازی‌های رفتاری و تعریف مفاهیم در مسائل مختلف از جمله مدل‌ها و چارچوب‌هایی که تهدید و ارباب را در جامعه مشخص و تعریف می‌کنند، در تهدیدانگاری مولد حائز اهمیت ویژه هستند.

البته باید توجه داشت که تصمیم‌گیری‌های کلان و مدیریتی نیز بر پایه برداشت و ادراک تصمیم‌سازان صورت می‌پذیرد نه لزوماً آنچه که واقعا در عالم واقعیت وجود دارد. یعنی ادراک و دریافت مدیران مبتنی بر شکل‌گیری نوعی از آگاهی و درک مدیران از محیط بیرونی و محرک‌های درونی می‌باشد.

در همین چشم‌انداز موضوع مدیریت برداشت^{۱۵} اهمیت می‌یابد. زیرا مدیریت ادراک در صدد تحت تأثیر قراردادن افکار و اندیشه‌های مقامات ارشد بوده که طی فرآیندی بلندمدت و پیچیده، در جهت کنترل، هدایت و شکل‌دهی ادراک نخبگان و تصمیم‌گیران در سطوح بالای جامعه گام برمی‌دارد؛ به‌گونه‌ای که به شکل نامحسوس تغییرات و اقداماتی را به عمل آورد که سرانجام به سود طرفی تمام می‌شود که به تاکتیک مدیریت ادراک متوسل شده است (شفیعی، ۱۳۸۷، ۱۱۲).

با این اوصاف می‌توان به یکی از سیاست‌های مستمر آمریکا در بهره‌گیری از

آشفتگی ذهنی شهروندان آمریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران یعنی قضیه اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان ایرانی در تهران سال ۱۳۵۸ اشاره نمود. به طوری که موضوع اشغال سفارت که عکس‌العملی خودجوش در مقابل مجموعه حوادث و فشارهای سیاسی - تاریخی آمریکا علیه سرنوشت و منافع ملی ایران محسوب می‌گردید، به یک شاخص دائمی ترسیم چهره ایران در دو سطح عموم شهروندان آمریکایی و سطح تصمیم‌سازان تبدیل شده است که همواره در موقعیت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقوع این ماجرا و سپس تلاش همه‌جانبه ایالات متحده برای شکل‌گیری و نهادینه‌سازی باور و تصویری غیرواقعی از ایران (به مثابه یک کنش‌گر رادیکال) از جمله موضوعاتی بوده که موجب عینیت یافتن دشمنی ایران و آمریکا و رادیکالیزه و حادث شدن ایران‌ستیزی در سیاست خارجی آمریکا شده است (سلیمانی، ۱۳۹۱، ۱۰۵). به گونه‌ای که دستگاه سیاست‌خارجی ایالات متحده با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی مانند حس وطن‌دوستی و غرور آمریکایی‌ها همواره تلاش کرده تا در فرصت‌های مختلف از این ماجرا در ارائه برداشت و تولید باوری ضدایرانی نزد اذهان آمریکا استفاده نماید و تصویری خشن و تهدیدآمیز از جمهوری اسلامی ایران نزد شهروندان آمریکایی خلق شود.

بخش سوم: قالب‌سازی شخصیتی از جمهوری اسلامی ایران

چنانکه ملاحظه گردید کنش‌گران اجتماعی بر اساس ادراک و دریافت خود به تصویرسازی از سایرین پرداخته و با ارزش‌گذاری، آن‌ها را به صورت خوب یا بد در ذهن می‌سازند. این ارزش‌دهی‌ها با استفاده از یک سری مفاهیم، اصطلاحات یا اسامی که بر ارزشیابی مثبت یا منفی دلالت می‌کنند، تجلی می‌یابد (غیاثیان، ۱۳۸۸، ۱۳۵).

نکته اصلی مربوط به پیوند دادن این شاخص‌ها به مفاهیمی است که کارکرد آن‌ها تولید و برساختن دیگری است. به طوری که مخاطبین با کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها و مشخصات، یک تصویری تهدیدانگار در ذهن خود ترسیم می‌نمایند. طبیعتاً ویژگی و بارزه مهم این شخصیت‌سازی از سوی ایالات متحده آمریکا، توجه به اصل استمرار و گذشت زمان می‌باشد تا از طریق اثرگذاری بر ذهن‌ها و باورها موجب شکل‌گیری و

ساخت تصویری خشن و تهدیدآمیز از جمهوری اسلامی ایران گردیده و با محور قرار دادن و تمرکز بر مقولاتی که در ذات خود بیانگر تهدید و خشونت می‌باشند، به شخصیت‌سازی تهدیدانگار از ایران اقدام منجر گردد و فاعل شناسا (شهروند غربی) شخصیتی تهدیدآمیز و اغتشاش‌گر در ذهن خود از ایران تولید و پرورش دهد. اهم شاخص‌ها و شاکله چنین شخصیت‌سازی عبارتند از:

۱. کنش‌گر شرور

اصطلاح بازیگر شرور که نخستین بار توسط جورج دبلیو بوش تحت عنوان محورشرارت^{۱۶} به‌طور گسترده وارد ادبیات بین‌الملل گردید، سه کشور ایران، کره شمالی و عراق را متهم به شرارت در عرصه جهانی کرد و از آن پس در موقعیت‌های مختلف این ویژگی برای ترسیم چهره منفی از سه بازیگر مورد اشاره در دستگاه سیاست خارجی آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع در حالی می‌باشد که ایالات متحده با همین استدلال به جنگ و اشغال عراق پرداخته و از سوی دیگر تلاش نموده تا با توجه به سیاست‌ها و اقدامات تهدیدآمیز کره شمالی در خصوص بمب اتمی و کنار ایران قرار دادن آن کشور، تصویری تهدیدساز از جمهوری اسلامی ایران نیز ترسیم نماید. برای نمونه کشورهای غربی با استناد به تصاویر «ماهواره دیجیتال گلوب کوئیک برد»^{۱۷} که چند روز پس از پرتاب موفقیت‌آمیز موشک فضایی «کاشگر یک» در پنجم فوریه ۲۰۰۸ در نشریه امنیتی «جینز اینتلیجنس ریویو»^{۱۸} منتشر شد، مدعی شدند جمهوری اسلامی ایران در حال ساخت موشک بالستیک با برد شش هزار کیلومتر شبیه موشک‌های کره شمالی است (سایت پگاه حوزه، ۱۳۹۴، ۳۹۰).

۲. بازیگر بی‌منطق

محیط بین‌الملل و به تبع آن سیاست‌ها و اقدامات بازیگران بین‌المللی عملاً بر پایه عدم اطمینان طراحی شده است. باین‌حال کنش‌گران بین‌المللی از یک نوع منطق نانوشته در عرف سیاست بین‌الملل تبعیت می‌کنند که مطابق بسیاری از نظریات و تئوری‌های مبتنی بر آینده‌شناسی، اقدامات آنان تا حدودی قابل پیش‌بینی می‌شود.

اما بی‌منطق‌نمایی جمهوری اسلامی ایران یکی از ویژگی‌هایی است که متضمن القای این باور در ذهن مخاطب است که ایرانی‌ها به صورت طبیعی افرادی غیرقابل اعتمادند و رفتار و سیاست‌های آنان از منطق خاصی پیروی نمی‌کند و برای رسیدن به اهداف خود به کارهای غیرمعمول و غیرقانونی دست می‌زنند که بنابراین نباید به طریق اولی در مسائل مهم از جمله امور امنیتی و مسائلی که مربوط به حوزه تهدیدرسانی و خطرسازی است به آن‌ها اعتماد کرد. این مؤلفه با مباحثی همچون «بی‌اعتباری ایرانیان»، «غیرقابل پیش‌بینی بودن ایرانیان» هم‌سنخ بوده و به موازات یکدیگر پیگیری می‌شوند. در همین رابطه دستگاه سیاست خارجی آمریکا با شیوه‌های گوناگون به ایجاد و تقویت چهره بی‌منطق و غیرقابل اطمینان و شورش‌گر می‌پردازد. برای نمونه با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و شیوه‌های رسانه‌ای و نشان‌دادن توان موشکی و نظامی ایران این قبیل سؤالات مطرح می‌شود:

- هنگامی که یک رژیم [ایران] آشکارا اعلام می‌کند درصدد از بین بردن سایر ملت‌هاست، در صورت دست یافتن به سلاح هسته‌ای چه می‌کند؟ (pbs, 2015, 6).
- اگر موشک‌های ایرانی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای مجهز شوند، ایران چه اقدامی در خصوص آمریکا خواهد کرد؟ (Discovery, 2016, 4).

۳. تروریست

این شاخص جزء فراگیرترین مقولات تهدیدساز از چهره جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. زیرا اولاً مفهوم تروریسم دارای جنبه‌ای فراگیر، پیچیده و درعین‌حال مبهم می‌باشد و لذا بالذاته قابلیت پردازش مفهومی زیادی داشته که غرب با کمک گفتمان تروریسم جهانی به ادبیات‌سازی موردنظر علیه ایران می‌پردازد. ثانیاً بروز برخی اقدامات تروریستی در کشورهای غربی (مانند انفجار تروریستی در پاریس و بلژیک سال ۲۰۱۶)، تأثیرات ملموسی بر زندگی و امنیت شهروندان غربی و در نتیجه ادراکات، باورها و ارزش‌های آن‌ها داشته است و لذا شاخص تروریسم نقش مهمی در ایجاد تهدیدانگاری از ایران ایفاء می‌نماید. در همین راستا می‌توان به انواع اقدامات تصویرسازی تروریسم از ایران در اذهان شهروندان آمریکایی اشاره نمود.

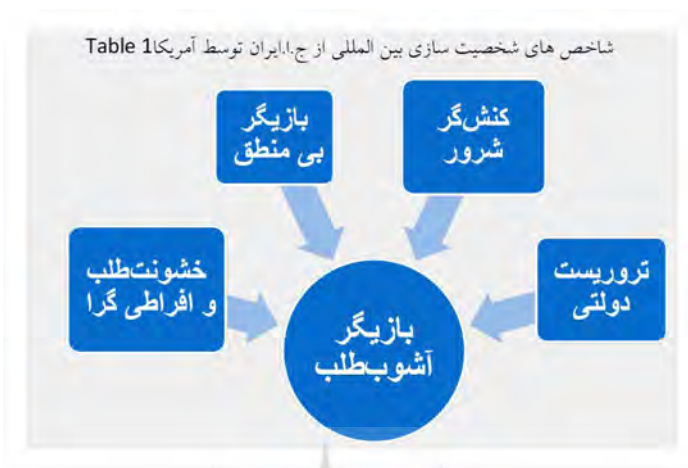
- ایران منبع ترویج تروریسم در خاورمیانه است که خاورمیانه را تبدیل به جایی کرده که ۱۸۰ درجه با چیزی که ما می‌خواهیم متفاوت است (Sanger & Schmitt, 2010, 26).
- ایران مصرانه در پی دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است و امنیت جامعه جهانی را نادیده می‌گیرد (pbs, 2015, 4).

۴. خشونت طلب و افراطی‌گرا

یکی از بزرگ‌ترین اتهامات به جمهوری اسلامی ایران مربوط به ویژگی «افراطی‌گری و خشونت‌طلبی» است که اگرچه در مقاطع مختلف دستگاه سیاست خارجی ایران تلاش نموده به مقابله با آن پردازد^۹، اما همچنان یکی از شاخص‌های تهدیدانگاری شخصیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. دستگاه غرب با به تصویر کشاندن خشونت‌طلبی جریان‌های جعلی و افراطی (مانند القاعده، داعش و جبهه‌النصره) به‌مثابه جریان‌های اسلامی تلاش می‌کند تا با ایجاد سردرگمی و اغتشاش فکری مخاطبین از یک‌سو و ایجاد پیوند افراط‌طلبان با جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، چهره‌ای خشن و تهدیدساز از ایران ترسیم نماید. مصادیق زیادی در خصوص افراطی‌گری مسلمانان وجود دارد که طی آن هویتی خشونت‌طلب از اسلام و ایران بازنمایی شده و با طرح عباراتی مانند “extremist”، “zealot”، “fanatic” و “radical” بر تصویری تهدیدانگار از جمهوری اسلامی ایران دلالت می‌نمایند.

برای مثال یکی از گزاره‌های شخصیت‌ساز خشونت از ایران عبارتند است از: «ایران کشوری است که شهادت و تجاوز را پرورش می‌دهد و بذر آن را در همه‌جا می‌کارد، به همین دلیل رئیس‌جمهور بوش آن را خطرناک‌ترین ملت می‌نامد» (Discovery, 2007, 2).

چنانکه ملاحظه می‌گردد در عبارت فوق مفهوم مقدس شهادت در راه خدا و دفاع از کیان اسلامی در کنار واژه تجاوز به معنای حمله و زیاده‌طلبی مترادف قرار داده شده است و از طرف دیگر در صدد توجیه اقدامات نامشروع و تجاوزگرانه بوش برآمده است.



۵. بازیگر آشوب طلب

دستگاه سیاست خارجی آمریکا با ارائه اخبار و گزارشات ساختگی در خصوص ارکان و اجزاء سازنده جمهوری اسلامی ایران مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهادکشاورزی و بسیج سازندگی و حتی نهادهای امدادرسان و مؤسسات خیریه ایرانی همچون هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و کمیته امداد امام خمینی (عج)، در صدد ترسیم چهره‌ای آشوب طلب و برهم زننده نظم و امنیت از جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این مسئله از دو حیث قابل بررسی می‌باشد.

منظر اول جنبه ایجابی داشته و ناظر بر اثربخشی اقدامات ایران در ارائه ارزش‌ها و الگوهای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنش‌گری فعال در عرصه بین‌المللی بوده و به بررسی شکل‌گیری حوزه نفوذ اجتماعی و فضای هنجاری ایران در برابر الگوها و اندیشه‌های منفعت‌محور غرب معطوف بوده که همین امر می‌تواند به وجهه‌سازی مثبت ایران در سایر مناطق منجر گردد (سرخیل، ۱۳۹۵، ۲۲۹). طبیعتاً این موضوع در تعارض با سیاست تهدیدات‌گزار غرب نسبت به جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی می‌باشد و لذا برای نمونه اقدامات مستشاری نظامی ایران در عراق یا سوریه برای کمک به مردم بی‌دفاع و همچنین هم‌دردی و امدادسانی نهادهای خیریه ایرانی به مردم محروم و قحطی‌زده در کشورهای اسلامی مانند پاکستان و افغانستان در تقابل با تعبیر

و تفاسیر غربی قرار می‌گیرد.

اما جنبه دوم معطوف به برساخت چهره‌ای منفی از ایران به مثابه بازیگری هرج و مرج طلب و برهم‌زننده نظم و امنیت بین‌المللی می‌باشد و تلاش دارد هرگونه سیاست و اقدامات ایران را بر اساس منافع و اهداف خود تفسیر و تعریف نموده و اقدامات خیرخواهانه این کشور در سایر مناطق را عاملی برای تخریب صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نماید. به‌علاوه این دیدگاه تلاش دارد تا سایر کنش‌گران بین‌المللی همچون حزب‌الله لبنان و جریان مقاومت اسلامی را که دارای اهداف و سیاست‌های مشترکی با جمهوری اسلامی بوده و در تقابل با سیاست‌های سلطه‌جویانه غرب می‌باشند را به بازیگرانی آشوب‌طلب تشبیه سازند که با کمک و حمایت‌های ایران نظم و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند. در همین راستا رسانه‌های غربی بارها با محکوم کردن جریان اصیل و مردمی حزب‌الله لبنان و طرح اتهامات تروریستی به آن تلاش کرده‌اند تا هم مشروعیت مقاومت اسلامی را خدشه‌دار نمایند و هم چهره‌ای آشوب‌ساز از ایران ترسیم نمایند.

نتیجه‌گیری

تصویرسازی بخش مهمی از سیاست‌خارجی دولت‌ها بوده که علاوه بر ارتباط ذاتی با یکی از سیاست‌های بین‌المللی کنش‌گران (که همانا اعتبار و پرستیژ بازیگران می‌باشد)، بلکه از طریق شکل دادن به اذهان، باورها و تصورات در افکار عمومی موجب بسترسازی سایر اهداف در عرصه‌های فراملی می‌گردد. برخورداری از یک وجهه بین‌المللی مثبت می‌تواند آثار و پیامدهای بسیاری در حوزه گسترش مناسبات بین‌المللی داشته باشد و به طرق گوناگون زمینه‌های گسترش تعاملات و همکاری‌ها با سایر بازیگران و افزایش اثرگذاری بین‌المللی را فراهم نماید. در مقابل تصویرسازی منفی که عمدتاً از سوی رقبا و یا کنش‌گران متعارض صورت می‌گیرد، حقایق را وارونه نشان داده و با کتمان، تحریف یا سانسور واقعیت‌ها، افکار عمومی را تهییج و سازمان‌دهی می‌نماید. تا جایی که یک بازیگر را در جایگاه تهدید یا دشمنی دائمی علیه فضای هنجاری بین‌المللی شناسایی می‌نماید.

یکی از تأثیرات تصویرسازی مربوط به امنیت هنجاری کنش‌گران و شکل‌دهی اذهان مخاطبین در درون ساختار اجتماعی روابط بین‌الملل (با هدف دورساختن خطرات و تهدیدات بالقوه و نیز تثبیت و گسترش فضای هنجاری) است. در همین چشم‌انداز اشاعه انقلاب اسلامی ایران و الگوهای برآمده از آن که در تعارض با فضای هنجاری آمریکا قرار دارد، بصورت بالقوه می‌تواند تهدیدی برای ارزش‌های نظام غربی و به تبع آن مؤلفه‌های شکل‌دهنده فضای هنجاری ایالات متحده آمریکا محسوب شود. از این منظر فضای هنجاری آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. به‌نحوی که هرکدام از آن دو، نظام ارزشی طرف مقابل را تهدیدی هنجاری علیه نظام ارزشی خود تلقی نموده و کوشش می‌کنند از گسترش نظام ارزشی طرف دیگر جلوگیری نمایند. به‌نحوی که غلبه هرکدام از انگاره‌ها، مفاهیم و هنجارهای یک بازیگر به معنی شکست هنجارهای طرف دیگر و کاهش امنیت هنجاری آن محسوب می‌شود. بر همین اسلوب می‌توان به طیف وسیعی از طرح‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آمریکا در قالب لایه‌های مختلف تصویرسازی علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود. برای نمونه طی دهه‌های گذشته هم آمریکا و هم ایران تلاش کرده‌اند از انواع امکانات و ظرفیت‌های بین‌المللی خود برای معنادهی و بازنمایی ماجرای اشغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران استفاده کنند. از یک طرف ایالات متحده آمریکا درصدد بوده تا در این خصوص بسترهای بین‌المللی مانند حقوق و عرف دیپلماتیک را بکار گیرد. درحالی‌که ایران با جاسوس معرفی نمودن آنان تلاش داشته تا در ترسیم این ماجرا از مباحثی همچون مداخلات بیگانگان و حفظ تمامیت ارضی بهره جوید.

به هر تقدیر تصویرسازی تهدیدانگار از سوی دستگاه سیاست خارجی آمریکا (اعم از بکارگیری ظرفیت‌های رسمی و غیررسمی) را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های اصلی در رابطه تهدید به سه سطح «تهدیدانگاری آشکار»، «گفتمان‌سازی تهدید» و نهایتاً «تهدیدانگاری مولد» از جمهوری اسلامی ایران دسته‌بندی نمود که اگرچه ارتباط ذاتی و تنگاتنگی میان هریک از سه لایه مذکور برقرار است ولی درعین حال در هر سطح بر یک بخش از تهدیدانگاری تأکید بیشتری وجود دارد.

یکی از اثرگذارترین لایه‌های تصویرسازی معطوف به لایه سوم یعنی تهدیدانگاری

مولد می‌باشد که طی آن با تمرکز بر شاخص‌هایی که ذاتاً بیانگر تهدید و خشونت هستند و پیوند دادن این مشخصات در جهت برساختن و تولید چهره جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای عمل می‌شود که افکار عمومی و شهروندان غربی با کنار هم چیدن این ویژگی‌ها و شاخص‌ها (همچون کنش‌گر شرور، بازیگر بی‌منطق، تروریست، آشوب‌طلب، خشونت‌طلب و افراطی‌گرا)، یک نوع مختصات تهدیدانگار و شخصیتی اغتشاش‌گر از این کنش‌گر بین‌المللی در ذهن خود ترسیم نمایند و نهایتاً قالب شخصیتی مبتنی بر تهدید از ایران را در ذهن خود تولید و خلق نمایند.

در همین راستا یکی از وجوه مهم تهدیدانگاری مولد معطوف به مدیریت ادراک و شکل‌دهی اذهان مراجع تصمیم‌گیر مانند مجلس سنا، کنگره، سناتورها و نیز سایر تصمیم‌سازان غیردولتی مانند اصحاب رسانه، مراکز مطالعات سیاسی و پژوهشی آمریکا می‌باشد. به‌ویژه آنکه اجزای غیررسمی (غیردولتی) در آمریکا نقش بسیار مهمی در تثبیت و گسترش فضای هنجاری و برساخت تهدید داشته و لذا شکل‌دهی باورها و سمت‌دهی ادراک این گروه‌ها امکان بیشتری برای مدیریت غیرمستقیم در تولید و القاء تصویر منفی از ایران را به همراه خواهد داشت.

حاصل سخن آنکه شناسایی و طراحی هدفمند در برابر وجهه‌سازی‌های آمریکا علیه ایران در هر سه سطح یادشده نه‌تنها تأثیر بسزایی در خنثی‌سازی اثرات منفی آن خواهد داشت، بلکه می‌تواند فرصت‌های جدیدی را در مسیر تعاملاتی و گسترش ارتباطات فراملی ایران فراهم سازد. لذا پیشنهاد می‌گردد اولاً کمیته‌های کارشناسی مشتمل بر صاحب‌نظران امنیتی، فرهنگی، رسانه‌ای و سیاسی در مرکز دیپلماسی عمومی وزارت خارجه باهدف شناسایی و رصد طرح‌ها و برنامه‌های مبتنی بر سه سطح تصویرسازی (توضیح داده شده در مقاله) علیه ایران تشکیل گردد تا بتوان با بکارگیری همه‌جانبه ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی عکس‌العمل‌های متناسب را طراحی نمود. ثانیاً با توجه به ویژگی‌های مخاطبین و مقتضیات بین‌المللی به مدیریت باورها و تصویرسازی صحیح نسبت به ایران پرداخته و اقدامات کنش‌گرانه فعال صورت پذیرد.

یادداشت‌ها

1. Establish a Narrative
 2. Being mentality of threat
 3. Hyper Reality
 4. Securitization
 5. Waver
 6. Discursive Act
 7. Existential Threats
 8. intersubjective
 9. Iran remained the leading state sponsor of terrorism despite sealing a nuclear deal with world powers, the State Department said in its annual survey of worldwide terrorism
 10. Homogenization
 11. IMDB
 12. Islamophobia
 13. Consciousness
۱۴. Confusion در روان‌شناسی یک حالت ذهنی است که در آن تماس فرد با واقعیات خارج قطع شده و بیمار دچار سرگشتگی مغزی گردیده است.

15. Perception Management
 16. Axis Of Evil
 17. QuickBird
 18. Jane's Intelligence Review
۱۹. برای نمونه طرح ایده «جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» از سوی ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۳ در مجمع عمومی سازمان ملل یکی از راهبردهای مؤثر در خصوص تصحیح چهره ایرانی در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک به بولتن همایش جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی، وزارت امور خارجه، مرداد ۱۳۹۳).

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، *تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ*، شماره ۸۲، تابستان، صص ۴۳۹-۴۵۸.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۵)، «جایگاه منافع و امنیت ملی در ساختارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، زمستان، شماره ۸، صص ۳۸-۱۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، *فصلنامه رسانه*، سال بیستم، شماره ۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، *عملیات روانی و تصویرسازی*، مقالات همایش عملیات روانی و آینده پژوهی، چاپ اول، تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.
- آقایی، داود و الهام رسولی، (۱۳۸۸)، «سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه، دوره ۳۹، شماره ۱،

بهار، صص ۱۶-۱.

بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل مفهوم امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بی نظیر، امید (۱۳۸۷)، «مخوره‌های عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، *مقالات همایش عملیات روانی و آینده پژوهی*، چاپ اول، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.

چگنی زاده، غلامعلی (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

خداداد، مجتبی (۱۳۹۲)، «تکنیک‌های نرم مدیریت افکار»، *بولتن قدرت نرم و ابزارهای دیپلماسی*، دفتر مطالعات بین‌الملل، شماره پنج.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۵۱، صص ۳۱-۵.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، *امنیتی شدن و سیاست خارجی ج.ا.ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵)، *تصویرسازی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه چشم‌انداز آفاق جهانی، چاپ اول.

ذبیح آبادی، رضا (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۱، زمستان، صص ۹۰-۷۱.

رفعت، سید احمد و عمرو الشبوکی (۱۳۸۷)، *آینده جنبش‌های اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر*، مترجم میثم شیروانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

سایت پگاه حوزه (۱۳۹۴)، *ترفندهای ایران هراسی در رویکرد آمریکا*، شماره ۳۱۹، اول بهمن.

سرخیل، بهنام (۱۳۹۵)، *جایگاه فراملی گرایی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران*، تهران: انتشارات الهدی.

سلیمانی، رضا (۱۳۹۱)، «رویکرد تنوریک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال اول، بهار، شماره ۲، صص ۱۱۹-۹۳.

سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۷)، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نشر نی، چاپ اول.

سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۶)، *نظریه‌های ارتباطات*، مترجم علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

شفیعی، جمال (۱۳۸۷)، «مدیریت ادراک»، *مقالات همایش عملیات روانی و آینده پژوهی*، چاپ اول، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.

صالحی، عباس (۱۳۸۹)، *مطالعه زمینه‌های پیدایش و استمرار اسلام‌هراسی در غرب با تأکید بر مسئله*

- تروریسم، *پایان نامه دکتری*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی.
- طباطبایی، سیدمحمد و علی سلیمانی (۱۳۹۲)، «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ گسترش فضای هنجاری»، *فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست*، سال دوم، شماره ۷، زمستان، صص ۹۳-۱۲۳.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۳، صص ۴۹۱-۵۱۱.
- کاوایانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «رسانه، پیام و مخاطب»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره چهار، زمستان، صص ۴۵-۷۸.
- کریمی، رضا (۱۳۹۱)، «مبانی تنوریک و مصداقی تهدید نرم»، *مدیریت نظامی*، زمستان، شماره ۲۸، صص ۴۱-۷۲.
- لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴)، *نظریه های ارتباطات*، مترجم مرتضی نوربخش و دیگران، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۹۰)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعه راهبردی.
- محمدیان، منوچهر (۱۳۹۴)، «جایگاه شیعه‌هراسی در دیپلماسی ایالات متحده»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۶۱.
- مرشدی زاده، علی (۱۳۸۹)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، *دانش سیاسی*، پاییز و زمستان، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۱۳-۱۳۹.
- موسوی، میرهادی (۱۳۹۳)، «اجلاس (WAVE) و تأثیر آن بر برند جمهوری اسلامی ایران»، *کتاب همایش جهان علیه خشونت و افراط گرایی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- وال استریت ژورنال*، ۲۹ جولای ۲۰۱۱. بازیابی شده در ۲۳ اسفند ۱۳۹۴.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازه انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۶۸، زمستان، صص ۹۵۰-۹۱۵.
- Buzan, and Ole Waver (2000), *Regions and Power: The Structure of International Security*, New York: Cambridge university Press
- CSMonitor(2015), "Russia Suspends Iran Arms Sale Following Israeli PM's Visit to Moscow", Retrieved 02 17, 2015, from CSMonitor: <http://www.csmonitor.com>
- Jay G. Blumler (2004), *The uses of Mass Communications perspective on Gratifications Research*, Beverly Hills clife.
- Klotz, Audie, Cecelia Lynch (2007), *Strategies for Research in Constructivism International Relations*, Sharp, New York
- Sanger, D. E. and E. Schmitt, (2010), "U.S. Speeding Up Missile Defenses in Persian Gulf", Retrieved 03 18, 2010, from NYTimes: <http://www.nytimes.com>
- Walt. 2002. "Keeping the World: Off-Balance: Self-Restraint and U.S. Foreign Policy", in: J. G. Ikenberry, *America Unrivaled: The Future of the Balance of Power* (pp. 154-211), New York: Cornell University Press.
- Wendt, Alexander, (1995), "Constructing International Politics", *International Security*, Vol. 20, No. 1 . Summer

<http://bigstory.ap.org/article/64d074a7938041cab8a2f367a1aaa97d/us-global-terror-attacks-dip-iran-still-main-state-sponsor>
<http://www.discovery.com/2014/09/01/schedule/>
<http://edition.cnn.com/2015/06/06/americas/index.html>
<http://www.pbs.org/show/newshour//2015/03/29/>

